



Persian Language International Teaching Studies
Vol. 10, Issue 19, 2024; pp (117-152)
DOI: 10.22034/MAZ.2025.10723



دوره ۱۰، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۳؛ صفحات (۱۱۷-۱۵۲)
نشریه علمی / مقاله پژوهشی

Semantic Relations and Their Teaching Methods in the "Persian Language" Book collection*

Hossein Razavian¹

Department of General Linguistics, Faculty of Persian Literature and Foreign
Languages, Semnan University, Semnan, Iran.

Solmaz Maleki²

Department of General Linguistics, Faculty of Persian Literature and Foreign
Languages, Semnan University, Semnan, Iran.

Abstract

This article examines two important semantic relations, synonymy and antonymy, and their teaching methods in the Persian language book series. The aim of this research is to identify the teaching methods of semantic relations in this book series and create a platform for enriching Persian language textbooks for non-Persian speakers. Since there are not many studies on semantic relations and their teaching methods in Persian language textbooks, the authors conducted their research in this field, specifically in the four-volume book series "Persian Language" by Dr. Ahmad Safar Moghaddam. The results show that as learners gradually understand semantic relations and their correlation with teaching these relations, the content and teaching order of vocabulary in the synonymy and antonymy sections are not appropriate in volume one but are gradually covered in volumes two, three, and four. As expected, the use of semantic relations increases from volume one to subsequent volumes, as most of the teaching material in volume one is about pronunciation, very simple vocabulary, and a brief section on Persian grammar. Antonymy cases are more prevalent in volume one and synonymy cases are more prevalent in volume three. In total, 188 cases of synonymy (48.83%) and 197 cases of antonymy (16.51%) were used. In general, the use of semantic relations in synonymy and antonymy forms in this book series plays a major role in creating an understanding of words, concepts, and idioms in the learner's mind, as well as in establishing mutual communication and understanding, and reducing the difficulty of teaching.

Keywords: Semantic relations, synonymy, antonymy, Persian language book series.

* Receive Date: 19 August 2024 | Revise Date: 11 October 2024 | Accept Date: 16 November 2024

¹ Email: razavian@semnan.ac.ir (Corresponding author)

² Email: solmaz.m1997@gmail.com

بررسی هم‌معنایی و تضاد معنایی و شیوه آموزش آنها در مجموعه کتاب‌های

«زبان فارسی»*

حسین رضویان^۱

گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

سولماز ملکی^۲

گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

چکیده

مقاله حاضر به بررسی دو رابطه مهم هم‌معنایی و تضاد معنایی و شیوه آموزش آنها در مجموعه کتاب‌های آموزش زبان فارسی پرداخته است. هدف از انجام این پژوهش تشخیص و شناسایی شیوه آموزش روابط معنایی در این مجموعه آموزش زبان فارسی و ایجاد بستری برای غنی‌سازی کتب آموزشی زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان است. با توجه به اینکه در زمینه روابط معنایی و شیوه آموزش آنها در کتاب‌های آموزش زبان فارسی پژوهش‌های زیادی وجود ندارد، نگارندگان پژوهش خود را در این حوزه و به طور مشخص در مجموعه چهار جلدی «زبان فارسی» نوشته دکتر احمد صفارمقدم انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به افزایش تدریجی درک روابط معنایی فراگیران و همبستگی آن با آموزش این روابط در فرایند تدریس، محتوا و ترتیب آموزشی واژگان در قسمت‌های هم‌معنایی، تضاد معنایی در جلد اول کتاب متناسب نیست، ولی به تدریج در جلد دوم، سوم و چهارم این ضعف پوشش داده شده است. مطابق انتظار، کاربرد روابط معنایی از جلد اول به تدریج در جلد‌های بعدی افزایش می‌یابد؛ زیرا بیشتر مطالب آموزشی در جلد اول کتاب در زمینه تلفظ حروف، واژگان بسیار ساده و اندک و بخش مختصری از دستور زبان فارسی است. نمونه‌های تضاد معنایی در جلد اول و موارد هم‌معنایی در جلد سوم بیشتر است. در مجموع هم‌معنایی با تعداد ۱۸۸ مورد و ۴۸/۸۳ درصد و تضاد معنایی با تعداد ۱۹۷ مورد و ۵۱/۱۶ درصد به کار برده شده است. کاربرد روابط معنایی در قالب‌های هم‌معنایی و تضاد معنایی در این مجموعه به منظور ایجاد زمینه درک کلمات، تفهیم و شکل‌گیری مفاهیم و اصطلاحات در ذهن زبان‌آموز، همچنین در برقراری ارتباط و درک متقابل نقش عمده‌ای را ایفا کرده و از دشواری آموزش کاسته است.

واژه‌های کلیدی: روابط معنایی، هم‌معنایی، تضاد معنایی، مجموعه زبان فارسی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰ | پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶

¹ Email: razavian@semnan.ac.ir

(نویسنده مسئول)

² Email: solmaz.m1997@gmail.com

۱. مقدمه

زمان زیادی از رشد و گسترش زبان‌شناسی به عنوان یک رشته علمی مستقل نمی‌گذرد؛ با این حال در همین زمان کوتاه، این علم با سرعت زیادی پیشرفت کرده است. پیش از اینکه یادگیری زبان به عنوان یک رشته مستقل مطرح شود در حوزه‌های مختلف تعلیم و تربیت، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، آموزش زبان، فلسفه، علم رایانه، علوم اعصاب و هوش مصنوعی مطالعه می‌شد. زبان‌شناسی علمی است که زبان انسان را مورد مطالعه قرار می‌دهد و از میان حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی، معناشناسی به مطالعه معنای در زبان و مسائل مربوط به آن می‌پردازد. یکی از مباحث مهم مطرح در معناشناسی، روابط معنایی است.

روابط معنایی به بررسی روابط موجود بین واژگان از نظر معنایی می‌پردازد. شناسایی شیوه و بررسی روش آموزش روابط معنایی در آموزش زبان فارسی می‌تواند برای زبان‌آموزان در زمینه یادگیری زبان فارسی تأثیرگذار باشد. بدیهی است که یادگیری زبان دوم (فارسی) بدون واژگان امکان‌پذیر نیست و نقش استفاده از واژگان در قالب هم‌معنایی، تضاد معنایی و دیگر روابط معنایی در زمینه آموزش زبان بسیار مهم است. از آنجا که روابط معنایی جنبه‌های مختلف معنا را آشکار می‌سازند، تحلیل این روابط به عنوان یک «رویکرد مؤثر» در معناشناسی مورد توجه قرار گرفته است (Riemer, 2010: 154). استفاده از روابط معنایی به جهت پیوستاری بودن مرز معنایی واژگان و شکل‌گیری مفاهیم در ذهن زبان‌آموز و ایجاد زمینه تفهیم کلمات، کمک شایانی به آموزش زبان می‌کند، تسلط بر زبان در اصل به معنای توانایی درک گفتار و استفاده از واژگان مناسب در انتقال معنا در هر زبان برای برقراری ارتباط و درک متقابل است و نقش عمده‌ای در این زمینه ایفا می‌کند.

هدف مقاله حاضر، تشخیص و بررسی روابط معنایی و شیوه آموزش آنها در مجموعه کتاب‌های آموزش زبان فارسی است. با وجود اهمیت روابط معنایی در درک و تولید زبان، بررسی نظام‌مند شیوه آموزش این روابط در کتاب‌های آموزشی فارسی به غیرفارسی‌زبانان مغفول مانده است. این پژوهش با هدف واکاوی چگونگی پرداختن به دو رابطه هم‌معنایی و

تضاد معنایی در مجموعه چهارجلدی «زبان فارسی» تألیف دکتر صفارمقدم انجام می‌شود و در پی پاسخگویی به سؤالات زیر است:

(۱) چه میزان و با چه توزیعی از روابط هم‌معنایی و تضاد معنایی در هر جلد از این مجموعه استفاده شده است؟

(۲) روند تغییرات کاربرد این دو رابطه در جلدهای مختلف چگونه است و آیا این روند با سطوح پیشرفت زبان‌آموز همخوانی دارد؟

(۳) آیا توازن مناسبی بین آموزش این دو رابطه برقرار شده است؟

۲. پیشینه تحقیق

این بخش به بررسی برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های داخلی و خارجی در زمینه روابط معنایی هم‌معنایی و تضاد معنایی می‌پردازد. از پژوهش‌های انجام شده در حوزه روابط معنایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

رمضانی‌گل‌افشانی (۱۳۸۹)، نقش روابط معنایی «تقابل معنایی» و «هم‌معنایی» را در صد کودک ۶ تا ۱۱ ساله با هدف درک و بیان روابط معنایی توسط کودکان در چارچوب معناشناسی واژگانی به روش توصیفی—تحلیلی بررسی کرده است. وی متغیرهای غیرزبانی شامل سن، جنس، وضعیت تحصیلی والدین و... را نیز مدنظر داشته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میزان درک و بیان شفاهی هم‌معنایی و تقابل معنایی با افزایش سن کودک رابطه مستقیم دارد. میانگین میزان بیان شفاهی تقابل معنایی در کودکان دختر بالاتر از کودکان پسر است؛ بنابراین رابطه معناداری بین جنسیت و بیان شفاهی تقابل معنایی وجود دارد، همچنین رابطه معناداری بین رتبه تولد کودک و میزان درک و بیان شفاهی هم‌معنایی و تقابل معنایی وجود دارد. رابطه معناداری بین تحصیلات پدر و مادر و میزان درک تقابل معنایی و بیان شفاهی هم‌معنایی وجود دارد.

رفیعی (۱۳۹۴) در پژوهش خود تلاش کرده است تا عملکرد بازنمایی‌های توزیع‌یافته را در مسئله استخراج کلمات هم‌معنا و متضاد ارزیابی کند؛ در این راستا ایده‌های جدیدی نیز ارائه کرده است تا بازدهی این بازنمایی‌ها تا حد امکان بالا برده شود. نتایج به‌دست آمده در

استفاده از این بازنمایی‌ها برای حل مسائل مختلف همچون سنجش شباهت معنایی بسیار امیدوارکننده است. با عقیده وی یکی از راه‌های مدل‌سازی معنایی زبان‌های طبیعی استفاده از بازنمایی‌های توزیع‌یافته کلمات است. از آنجا که زبان‌شناسی رایانشی در پی شبیه‌سازی رفتار زبانی انسان در ماشین است تا قابلیت تشخیص تضاد و مترادف بودن دو واژه را داشته باشد، او از تکنیک‌های رایج در زبان‌شناسی رایانشی در جهت این تشخیص بهره برده است.

گلدستیک^۱ (۱۹۸۰) تفاوت رفتاری بین تمایل به استفاده از دو محمول، مثلاً به جای یکدیگر (در زمینه‌های مناسب مصداقی، و تا جایی که حفظ ارزش صدق هدف مورد نظر است) را به عادت به «باور» به هم‌مصادق بودن آنها و تمایل به انجام این کار به دلیل «معنای» یکسان توسط هر یک مرتبط می‌داند. از آنجا که مترادف به صورت رفتاری آموزش داده می‌شود، تمایز مورد بحث باید از نظر رفتاری تفاوتی ایجاد کند؛ اما نه لزوماً تفاوتی که کاملاً غیرذهنی قابل توضیح باشد. از نظر وی این تمایز براساس آنچه که این تمایل را از بین می‌برد ترسیم می‌شود. سپس مفهوم حاصل از مترادف شناختی برای روشن کردن تفاوت بین حقیقت ضروری بدیهی و غیربدیهی استفاده می‌شود.

رکاناتی^۲ (۲۰۱۷) در مقاله خود استدلال می‌کند که چندمعنایی پدیده‌ای دوجویی است. نمی‌توان آن را نه به تلفیق عملی و نه به ابهام تقلیل داد، زیرا ترکیبی از هر دو می‌باشد. معانی یک عبارت چندمعنایی ناشی از تلفیق عملی است، اما مانند معانی یک عبارت مبهم در حافظه ذخیره می‌شوند. تفاوت آن با ابهام ساده این است که روابط تلفیقی بین معانی برای کاربران زبان شفاف است: معانی به صورت مرتبط احساس می‌شوند — آنها خانواده‌ای از معانی را تشکیل می‌دهند؛ درحالی‌که دو عبارت هم‌نام عبارات متفاوتی هستند، با ساخت واجی یکسان اما معانی متمایز، یک چندمعنایی یک عبارت واحد است، یعنی یک واحد معنایی و نیز یک واحد واجی. این عبارت یک معنا دارد که نباید با معانی جداگانه‌ای که در بافت ارائه می‌دهد اشتباه گرفته شود.

1. Gold stick
2. Recanati

۳. روابط معنایی

از میان مباحث مهم مطرح در معناشناسی می‌توان به روابط معنایی اشاره کرد که در زمینه آموزش زبان فارسی بسیار اهمیت دارد. «هم‌معنایی» و «تضاد معنایی» از مهم‌ترین روابط معنایی به شمار می‌روند. مطالعه معنایی کلمات مشخص می‌سازد که روابط معنایی همانند هم‌معنایی، تضاد معنایی و روابط دیگر در حوزه‌های معنایی همگی برای مرتبط کردن کلمات با کلمات دیگر به کار می‌روند و نشان می‌دهند که کل واژگان یک زبان دارای یک ساخت داخلی پیچیده است که مشکل از زیرگروه‌هایی از کلمات است که ویژگی‌های مهمی را به اشتراک دارند.

معمولاً به هنگام تعریف هم‌معنایی چنین گفته می‌شود که اگر دو واژه هم‌معنا به جای یکدیگر به کار روند، در معنای زنجیره گفتار تغییری حاصل نمی‌شود، ولی باید توجه داشت که در هیچ زبانی هم‌معنایی مطلق وجود ندارد و این رابطه نسبی و پیوستاری است؛ یعنی هیچ دو واژه‌ای را نمی‌توان یافت که در تمامی جملات زبان بتوانند به جای یکدیگر به کار روند و تغییری در معنای آن زنجیره پدید نیاورند (صفوی، ۱۳۹۷: ۱۰۶).

به عبارت دیگر مترادف‌ها کلماتی با ساخت آوایی متفاوت هستند که دارای معانی یکسان یا بسیار مشابه هستند، مانند: پنهان و مخفی یا راهزن و سارق (Saeed, 2003: 65). وجود واژه‌هایی چون «جهانگرد»، «جهان‌بین»، «جهان‌شمول» از یک سو و «دنیادیده» یا ترکیب‌هایی همچون «سفر دور دنیا» به دلیل عدم امکان جانشینی «جهان»، «دنیا» و «گیتی» با یکدیگر، هم‌معنایی مطلق این واژه‌ها را مورد تردید قرار می‌دهد (صفوی، ۱۳۹۷: ۱۰۷). این نکته را نباید از نظر دور داشت که واژه‌های به اصطلاح هم‌معنا ممکن است در بار عاطفی با یکدیگر تفاوت داشته باشند. کلمات «رشید»، «قد بلند»، «دراز» نمونه کلاسیک در این باره هستند. اساساً وجود دو واحد هم‌ارزش در یک نظام امکان‌پذیر نیست؛ زیرا ماهیت وجودی هر دو واحد به نقشی وابسته است که این واحد را در تقابل با واحدهای دیگر قرار می‌دهد. حضور واحدی تازه در چنین نظامی یا سبب حذف واحد هم‌ارزش قدیمی‌تر می‌شود یا تغییری را در ارزش واحد قدیمی‌تر موجب می‌گردد. دست کم این تغییر را می‌توان تغییر در بار عاطفی دانست؛ نمونه‌هایی مانند انتخاب «خط چشم» به جای «سرمه» و «شهرداری» به جای

«بلدیه» از این دست می‌باشند، زیرا با ورود «خط چشم» و «سرمه» بار عاطفی منفی می‌یابد و «بلدیه» با ورود «شهرداری» کنار می‌رود (همان: ۱۰۸).

بدیهی است که بسیاری از کلمات از نظر معنایی خیلی نزدیک هستند یا اینکه معانی آنها با هم همپوشانی دارند، مانند: بالغ و بزرگسال (Palmer, 1981: 91). مترادف‌های نزدیک اغلب به عنوان معادل‌ها ثبت می‌شوند، بدون اینکه تفاوت معنایی بین اصطلاحات معادل مورد نظر لحاظ شود (Riemer, 2010: 153).

مثال‌های یادشده نشان می‌دهد که مترادف‌های واقعی یا دقیق بسیار نادرند (Palmer, 1981). اغلب مترادف‌ها دارای یکسری مشخصه‌های متفاوت هستند. آنها ممکن است متعلق به لهجه‌های مختلف بوده و به عنوان مترادف برای گویندگان آشنا با هر دو گویش مانند انگلیسی و ایرلندی تبدیل شوند؛ یا این کلمات شاید متعلق به سیاق‌های مختلف، سبک‌های زبان، محاوره، رسمی، ادبی و... باشند که به موقعیت‌های مختلف تعلق دارند؛ همچنین مترادف‌ها ممکن است نگرش مثبت یا منفی گوینده را به تصویر بکشند. هم‌معنایی می‌تواند رابطه بین دو گزاره نیز باشد که معنای واحد دارند (Hurford, Heasley and Smith, 2007: 106).

تضاد معنایی به عنوان یکی از بنیادی‌ترین روابط معناشناختی به رابطه‌ای گفته می‌شود که در آن دو واژه از لحاظ معنا در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. این رابطه تنها به «متضادهای دوگانه» (مانند زنده/مرده) محدود نبوده و براساس نظریه‌های مدرن معناشناسی شامل انواعی همچون تضاد مکمل^۱ مانند عذب/متأهل، تضاد درجه‌پذیر^۲ مانند داغ/سرد و تضاد جهتی^۳ مانند ورود/خروج می‌شود (Cruse, 1986; Lyons, 1995)؛ برای مثال در تضاد درجه‌پذیر دو واژه در دو انتهای یک طیف قرار می‌گیرند و فضایی برای موارد میانی (مثل ولرم) وجود دارد درحالی‌که در تضاد مکمل چنین فضایی وجود ندارد. از نظر آموزشی درک تضاد معنایی برای زبان‌آموزان نقشی کلیدی در ساختاربندی ذهنی شبکه‌های واژگانی ایفا می‌کند. همان‌طور که مورفی^۴ (۲۰۰۳) تأکید می‌کند یادگیری واژگان در قالب

1. complementary

2. gradable

3. directional

4. Murphy

جفت‌های متضاد، نه تنها به درک عمیق‌تر معنای هر واژه کمک می‌کند، بلکه با ایجاد ارتباطات قوی در حافظه، بازیابی و نگهداری واژگان را نیز تسهیل می‌نماید؛ این امر به‌ویژه در سطوح مبتدی آموزش زبان که درک تقابل‌های دوتایی ساده‌تر از درک روابط پیچیده‌تر است، اهمیت دوچندان می‌یابد. از این‌رو برنامه‌ریزی برای آموزش هدفمند این رابطه در کتاب‌های درسی، امری ضروری به نظر می‌رسد.

آموزش هم‌معنایی و تضاد معنایی می‌بایست به درک شبکه واژگانی زبان آموز کمک کند. بیشتر رویکردهای آموزش زبان بر لزوم ارائه واژگان در بافت‌های معنادار و ایجاد ارتباط بین آنها تأکید می‌ورزد. در این پژوهش «هم‌معنایی» به عنوان قابلیت جایگزینی دو واژه در یک بافت بدون تغییر اساسی در معنای گزاره و «تضاد معنایی» به عنوان «روابط دوگانه‌ای که درجه‌بندی‌پذیر یا ناپذیر هستند» در نظر گرفته شده‌اند (Hurford, Heasley & Smith, 2007: 110-125).

۴. بررسی کاربرد واژگان و تحلیل آماری هم‌معنایی و تضاد معنایی در کتاب چهار جلدی زبان فارسی

داده‌های این پژوهش براساس چارچوب مجموعه چهارجلدی کتاب زبان فارسی دکتر صفار مقدم است. نخست داده‌های استخراج شده در پایان هر جلد در جدول ترسیم شد، داده‌ها به صورت مجزا از لحاظ کاربرد آموزش روابط معنایی (هم‌معنایی: در بخش‌های مختلف واژگان و متن کتاب) و (تضاد معنایی: در بخش نکات دستوری) از لحاظ کاربرد تعداد و درصد آماری و بسامد رخداد تجزیه و تحلیل شدند و مورد مقایسه قرار گرفتند و در انتهای فرایند تحلیل، داده‌های جمع‌آوری شده در یک جدول کلی محاسبه و بررسی شد.

۴-۱. هم‌معنایی

جلد اول مجموعه کتاب‌های زبان فارسی به هم‌معنایی از انواع روابط معنایی در بخش‌های مختلف واژگان، ساختار و متن درس‌ها می‌پردازد.

۴-۱-۱. بررسی هم‌معنایی در جلد اول کتاب زبان فارسی

نویسنده از کلمه «تو» در بخش واژگان کتاب (صفارمقدم، ۱۳۹۱، ج ۱: ۴۶) و با عنوان هم‌معنایی استفاده کرده است و به معنای «در» به کار برده است و نیز در فرهنگ لغت معین و دهخدا با کلمات مترادفی مانند «اندرون / داخل / در / درون / پرده / لایه / رشته / لا» برای کلمه «تو» کاربرد هم‌معنایی دارد.

کلمه «کتابخانه» (همان: ۹۰) با کلمه هم‌معنای «جای کتاب و کتاب خواندن» به کار برده شده است که با کلمات مترادف برای کتابخانه با عنوان «خانه کتاب و جای نگهداری کتاب» هم‌معناست. کلمه «پدر بزرگ» (همان: ۱۲۳) با کلمه مترادف «پدر پدر» استفاده کرده است و با کلمات هم‌معنای «جد / نیا» هم‌معناست.

کلمه «محل» (همان: ۱۶۶—۱۶۷) با کلمه هم‌معنای «جا» استفاده کرده و با کلمات هم‌معنای «جایگاه / جا / مکان» هم‌معناست.

کلمه «نام» (همان) با کلمه هم‌معنای «اسم» به کار برده است و با کلمات «آوازه / اسم / اعتبار / عنوان / شهرت / کنیه» هم‌معنایی دارد.

کلمه «تکرار» با کلمه هم‌معنای «انجام دادن دوباره» به کار برده است.

تو / در (همان: ۴۶)؛ کتابخانه / جای کتاب و کتاب خواندن (همان: ۹۰)؛ خانم، کتابخانه از کی تا کی باز است (همان: ۹۹)؛ پدر بزرگ / پدر پدر، عمو / برادر پدر، عمه / خواهر پدر، پس عمو / پسر برادر پدر، خاله / خواهر مادر، دایی / برادر مادر، دختر خاله / دختر خواهر مادر (همان: ۱۲۳)؛ وقت غذا در رستوران معمولاً از کی تا کی است؛ غذاهای خوب / خوشمزه (همان: ۱۶۵)؛ محل / جا، نام / اسم (همان: ۱۶۶—۱۶۷)؛ خوبم / بد نیستم (همان: ۱۷۰).

۴-۱-۲. بررسی هم‌معنایی در جلد دوم کتاب زبان فارسی

نویسنده از واژه «اکنون» در بخش واژگان کتاب (صفارمقدم، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۴) و با عنوان هم‌معنایی استفاده کرده و به معنای «حالا» به کار برده است و با کلمات مترادفی مانند «حالا، در این وقت و این زمان، فعلاً» برای کلمه «اکنون» کاربرد هم‌معنایی دارد.

کلمه «پارسال» (همان: ۲۵) با کلمه هم‌معنای «سال گذشته / سال قبل» به کار رفته است که با کلمات مترادف «پارسال عنوان سال گذشته / یک سال پیش، سال گذشته» هم‌معناست.

کلمه «ربع» (همان: ۴۹—۵۰) به عنوان واژه هم‌معنایی به کار برده شده و از کلمه مترادف «یک قسمت از چهار قسمت هر چیز» استفاده کرده است و با کلمات هم‌معنای «یک قسمت از چهار قسمت هر چیز و هر عددی / یک چهارم چیزی» رابطه هم‌معنایی دارد.

کلمه «فصل» (همان: ۵۷) به عنوان واژه هم‌معنا استفاده شده است و با کلمه «هر قسمت از چهار قسمت سال» رابطه هم‌معنایی دارد و با کلمات «دوران / زمان / مانع میان هر چیز، هریک از چهار فصل سال / هریک از چهار قسمت سال شامل سه ماه» دارای مترادف و هم‌معنایی است.

کلمه «زمستان» (همان: ۷۴) با واژه هم‌معنای «سردترین فصل سال» استفاده کرده است و با واژه‌های «ضد تابستان / فصل چهارم سال پس از پاییز و بیش از بهار / فصل سرما، چهارمین فصل سال از فصول چهار گانه سال» رابطه هم‌معنایی دارد.

واژه «امام‌زاده» (همان: ۱۰۹—۱۱۰) با واژه هم‌معنای «پسر امام» به کار رفته است و با واژه‌های «فرزند یا نواده یکی از امامان دوازده گانه» هم‌معناست.

واژه «تابستان» (همان: ۱۲۱—۱۲۲) با واژه «گرم‌ترین فصل سال» هم‌معنا بوده و به عنوان واژه هم‌معنا به کار رفته است و با کلمات هم‌معنای «یکی از چهار فصل سال بین بهار و پاییز، دومین فصل سال بعد از بهار و قبل از پاییز» رابطه هم‌معنایی دارد.

استفاده از واژه «ایستگاه» (همان: ۱۲۱—۱۲۲) با واژه «جای پیاده شدن و سوار شدن» در کتاب هم‌معناست و با کلمات «جای ایستادن / جای ایستادن انسان و وسایل نقلیه» هم‌معنا می‌باشند.

استفاده از واژه «عشق» (همان: ۱۳۵) با واژه «علاقه» هم‌معنا به کار رفته است و با واژه‌های «دلدادگی / عشق آوردن و چیره گزیدن دوستی بر کسی، به شدت دوست داشتن» رابطه هم‌معنایی دارد.

واژه «هنرمند» (همان: ۱۶۹—۱۷۰) با کلمه «کسی که هنری دارد» هم‌معناست و با واژه‌های هم‌معنای «با هنر، دارای هنر / صنعتگر / آنکه آثار هنری می‌آفریند» رابطه هم‌معنایی دارد.

فاصله / کیلومتر (همان: ۱)؛ بگو دوست کیست تا بگویم کیستی (همان: ۵)؛ اکنون / حالا، زیبا/قشنگ، مهاجرت / برای زندگی به جای دوری رفتن (همان: ۱۴)؛ پارسال / سال گذشته، سال قبل، پریروز / دو روز قبل، پریشب / دو شب قبل، پس فردا / دو روز دیگر، تحصیل کردن / درس خواندن، دارا / داشتن، ولی/ اما (همان: ۲۵)؛ تشریف آوردن/ آمدن، تشریف داشتن/ بودن درجایی، ممنون / متشکر (همان: ۳۵)؛ مهم / معروف (همان: ۳۶)؛ حرف زدن/ صحبت کردن، غیرایرانی/ از کشورهای دیگر، نه از ایران (همان: ۳۷)؛ داخل/ در داخل/ توی، قرارداد داشتن / واقع بودن، دوست آن باشد که گیرد دست دوست (همان: ۴۹-۵۰)؛ ربع/ یک قسمت از چهار قسمت هر چیز، فصل/ هر قسمت از چهار قسمت سال، ماه/ هر قسمت از دوازده قسمت، ملت/ همه مردم یک کشور (همان: ۶۳)؛ شغل / کار، چگونگی/ چطور (همان: ۶۷)؛ زمستان/ سردترین فصل سال، یلدا / چله فارسی/ شب اول زمستان در ایران (همان: ۷۴)؛ آره / بله، قهوه‌ای/ به رنگ قهوه‌ای/ دارای رنگ قهوه‌ای، نخیر/ نه (همان: ۸۶)؛ صورت/ رو، موقع / وقت، موقعی که/ وقتی که (همان: ۱۰۲)؛ امام زاده/ پسر امام، عده/ یک گروه از مردم (همان: ۱۰۹-۱۱۰)؛ ایستگاه/ جای پیاده شدن و سوار شدن، تابستان/ گرم‌ترین فصل سال (همان: ۱۲۱-۱۲۲)؛ چشم/ با آن می‌بینیم (همان: ۱۳۳-۱۳۴)؛ عشق/ علاقه (همان: ۱۳۵)؛ احترام / ارزش، قبول کردن/ پذیرفتن، قرن / صد سال، یکی یکی / با هم نه / در هرنوبت یکی (همان: ۱۴۶-۱۴۷)؛ ممنون/ تشکر (همان: ۱۵۷-۱۵۸)؛ هنرمند/ کسی که هنری دارد/ دارای هنر، مهم / معروف (همان: ۱۶۹-۱۷۰)؛ ارزشمند/ دارای ارزش، تشریف بردن/ رفتن، تشریف داشتن/ بودن، علاقه‌مند / دارای علاقه (همان: ۱۸۱-۱۸۲).

۴-۱-۳. بررسی هم‌معنایی در جلد سوم کتاب زبان فارسی

نویسنده از واژه «پر آب» در بخش واژگان کتاب (صفار مقدم، ۱۳۹۱، ج ۳: ۱) با واژه «دارای آب زیاد / فراوان» به عنوان هم‌معنایی استفاده کرده است و با واژگان مترادفی مانند «آنچه از آب پر است» برای کلمه «پر آب» رابطه هم‌معنایی دارد.

کلمه «آنان» (همان) با واژه هم‌معنای «آنها» استفاده کرده و با واژه «آنها» مترادف است.

واژه «کوهستانی» (همان) به صورت واژه هم‌معنا به آن پرداخته شده، با کلمه هم‌معنای «دارای کوه‌های بسیار» مترادف بوده است و با واژگان «کوهی / منسوب / متعلق به کوهستان از» دهخدا دارای روابط هم‌معنایی است.

واژه «آغاز» (همان: ۱۵) به صورت واژه هم‌معنا به کاررفته، با عنوان واژه «شروع» به صورت واژه مترادف به کاربرده شده است و با واژگان «شروع / ابتدا» مترادف می‌باشد. واژه «شاهکار» (همان: ۸۰) به صورت واژه هم‌معنا به کاررفته، با کلمه «کار مهم و بزرگ / بهترین کار» مترادف است و با واژگان «کار مهم و بزرگ / بهترین کار / کار بزرگ و نمادین» از دهخدا و معین رابطه هم‌معنایی دارد.

واژه «خدانگهدار» (همان: ۹۳) به عنوان کلمه هم‌معنا به کار برده شده، با کلمه هم‌معنای «خداحافظ» به صورت مترادف به کاررفته و با واژگان «خداحافظ» دارای هم‌معنایی است.

واژه «جهانگردی» (همان: ۱۰۶) به عنوان واژه هم‌معنا به کاررفته، با کلمه «مسافرت و گردش در کشورهای مختلف» به عنوان واژه به صورت مترادف می‌باشد و با واژگان «سیاحت» دارای رابطه هم‌معنایی است.

واژه «قدم زدن» (همان) با واژه «راه رفتن / گردش کردن» به عنوان واژه هم‌معنا به کاررفته، و با واژگان «آهسته راه رفتن نه برای کاری بلکه تنها گذشتن / راه رفتنی که قصدی در آن جز خود راه رفتن نباشد» مترادف است.

واژه «راهنما» (همان: ۱۵۸) به عنوان واژه هم‌معنا به کاررفته، با واژه «کسی که راه یا روش را نشان می‌دهد» هم‌معناست و با واژگان «نشان‌دهنده راه، بلد راه / کسی که مسیر را می‌داند» رابطه هم‌معنایی دارد.

واژه «دنیا» (همان) به عنوان واژه هم‌معنا به کاربرده شده، با واژه «جهان» هم‌معنا و با واژه «جهانی که در آن هستیم» دارای رابطه هم‌معنایی است.

واژه «راستگو» (همان: ۱۸۳) به عنوان واژه هم‌معنا به کاربرده شده، با کلمه هم‌معنای «کسی که راست می‌گوید» مترادف و با واژه «راست گفتار» دارای هم‌معنایی مترادف است.

واژه «زادگاه» (همان: ۱۹۷) به عنوان واژه هم‌معنا به کار برده شده، با واژه هم‌معنای «محل تولد» دارای هم‌معنایی بوده است و با واژه «مولد/وطن، محل تولد» هم‌معنایی دارد.

آسیا / بزرگ‌ترین قاره جهان که کشورهای ایران، چین، ژاپن، کره، عربستان و... در آن واقع‌اند (همان: ۱)؛ فراوان / بسیار / زیاد، کم آب / دارای آب کم (همان)؛ تاکنون / تا حالا، علم/ دانش (همان: ۱۵)؛ پرستاره / دارای ستاره‌های بسیار (همان: ۲۷)؛ پس / بعد (همان: ۴۰)؛ پس از / بعد از، جنوبی / مربوط به جنوب / واقع در جنوب، شمالی / مربوط به شمال، واقع در شمال (همان: ۴۱)؛ آشپزخانه / اتاق یا جای مخصوص درست کردن غذا، اتاق خواب / اتاق مخصوص خوابیدن، شهری / اهل / مربوط به شهر (همان: ۵۳)؛ محلی / اهل محل / مربوط به محل، لذیذ / خوشمزه (همان: ۶۶)؛ آفریدن / به‌وجود آوردن، نقاش / کسی که شغل یا هنرش نقاشی است (همان: ۷۹)؛ طولانی / زیاد از نظر زمان (همان: ۹۲)؛ قدیم / جدید، کارشناس / کسی که کار را خوب می‌داند و می‌شناسد، نظیر / مانند (همان: ۹۳)؛ به مسافرت رفتن / رفتن به جایی برای مسافرت، پیش / قبل (همان: ۱۰۵)؛ پیش از / قبل از، عمده / مهم / بزرگ (همان: ۱۰۶)؛ عمارت / ساختمان بزرگ، نصف/ نیم (همان: ۱۱۹)؛ دینی / مخصوص به دین، میانه / وسط، همکاری / با هم کار کردن و کمک کردن (همان: ۱۴۵)؛ از دنیا رفتن / مردن، برادرزاده / بچه برادر پسر یا دختر برادر، خواهرزاده / بچه خواهر / پسر یا دختر خواهر، شنیدنی / جالب از نظر شنیدن، قرون وسطی / قرن‌های دوازده تا شانزدهم میلادی در تاریخ اروپا (همان: ۱۵۷)؛ بیت / هر سطر از یک شعر، پیری / دوره‌ای که انسان پیر است، جوانی / دوره‌ای که انسان جوان است، جهانیان / مردم جهان، حکیم / دانشمند، شاد/ خوش / خوشحال (همان: ۱۷۰)؛ تولد یافتن / به‌دنیا آمدن، میهن / کشور محل تولد و زندگی، میهن دوستی / عشق و علاقه فراوان به کشور خود (همان: ۱۸۳)؛ چهارشنبه سوری / جشن آخرین چهارشنبه سال، نوروز/ آغاز سال نو در ایران (همان: ۱۹۷).

۴-۱-۴. بررسی هم‌معنایی در جلد چهارم کتاب زبان فارسی

نویسنده از واژه «عظمت» در بخش واژگان کتاب (صفارمقدم، ۱۳۹۱، ج ۴: ۱۶) استفاده کرده که با واژه «بزرگی» هم‌معنا بوده است و با واژگان «بزرگی، بزرگ شدن» مترادف می‌باشد.

واژگان «ماهگیر» (همان: ۱۶) به صورت واژه هم‌معنا به کار رفته، با واژه «کسی که کارش گرفتن و فروختن ماهی است» مترادف و با کلمه «کسی که کارش گرفتن ماهی است» دارای رابطه هم‌معنایی است.

واژه «آسمانی» (همان: ۷۱) با مفهوم «مربوط به آسمان / از آسمان» هم‌معنا و با کلمات و واژگان «ربانی / الهی، سپهری» دارای رابطه هم‌معنایی است.

واژه «پرستش» (همان: ۷۲) با واژه «پرستیدن» به صورت هم‌معنا به کار رفته، و با واژه «ستایش، پرستیدن» مترادف است.

واژه «اندیشه» (همان: ۸۵) به صورت واژه هم‌معنا با واژه «فکر» به کار رفته، و با واژگان «فکر، تدبیر، تامل، گمان و خیال» دارای رابطه هم‌معنایی است.

واژه «به کمال رسیدن» (همان: ۸۶) با واژه «کامل شدن» دارای هم‌معنایی است.

واژه «یکتاپرستی» (همان) با واژه «پرستیدن خدای یکتا» دارای هم‌معنایی است.

واژه «تألیف» (همان: ۹۹) با واژه «نوشتن کتاب / کتابی که نوشته شده» دارای رابطه هم‌معنایی و با واژه «جمع کردن»، مترادف است.

واژه «گرانها» (همان) با واژه «گران / دارای ارزش زیاد» هم‌معنا و با واژگان «نفیس / با ارزش، قیمتی» دارای هم‌معنایی است.

واژه «خوش آهنگ» (همان: ۱۱۴) با واژه «دارای آهنگ خوش» هم‌معنایی دارد.

واژه «بشر دوستی» (همان: ۱۵۵) با واژه «دوست داشتن نوع بشر» دارای هم‌معنایی است.

واژه «لبخند» (همان: ۱۸۳) با واژه «خنده روی لب» هم‌معنا به کار رفته، و با واژه‌های

«تبسم / خنده کوتاهی که تنها موجب حرکت لب‌ها» می‌شود دارای هم‌معنایی است.

واژه «شناگر» (همان: ۲۱۲) با کلمه «کسی که شنا می‌کند و به ورزش شنا تسلط دارد»

مترادف و با واژه‌های «شناکننده / او که شنا کند، کسی که در آب شنا کند» هم‌معناست.

واژه «هم‌ریشه» (همان) با واژه «از یک ریشه، دارای ریشه مشترک» مترادف و با واژگان

«هم‌اصل، هم‌نژاد» دارای رابطه هم‌معنایی است.

به این ترتیب / بنابراین، به دست / توسط (همان: ۱)؛ پادشاهی / کشوری که پادشاه

بر آن حکومت می‌کند/ حکومت توسط پادشاه، جانشین / کسی که به جای شخص دیگری می‌نشیند و کاری را انجام می‌دهد، شفاهی / به صورت گفتار نه به صورت نوشته یا روی کاغذ، مرز/ رود، کوه یا چیز دیگری که کشورها را از هم جدا می‌کند، جایی که کشوری از کشور دیگر جدا می‌شود (همان: ۲)؛ قدرت / نیرو (همان: ۱۵)؛ مختصر / کم، اشغال / تصرف (همان: ۲۹)؛ سلطنت / پادشاهی، ویران کردن/ خراب کردن (همان: ۳۰)؛ بالاخره / در آخر، بشر/ انسان، پاکیزه / تمیز، مجذوب کردن/ علاقه‌مند کردن، مهاجم / کسی که به جایی یا کسی حمله می‌کند (همان: ۴۴)؛ قدیم / باستان (همان: ۵۱)؛ حیرت آور/ بسیار عجیب، گنبدی / به شکل گنبد (همان: ۵۸)؛ کوه / کوه، آدم/ آدم (همان: ۶۰)؛ مسیحیت/ دین حضرت مسیح، نیک / خوب، یکتا / فقط یکی (همان: ۷۱)؛ کمال / کامل شدن (همان: ۸۶)؛ درک / فهمیدن، متخصص / دارای تبحر در یک کار یا رشته علمی، مرحمت / لطف، نگارش / نوشتن (همان: ۱۰۰)؛ باغبان / کسی که گل و درخت می‌کارد و از باغ و گل و درخت نگهداری می‌کند، به خصوص / مخصوصاً (همان: ۱۱۳)؛ بتخانه / جای نگهداری و پرستش بت‌ها (همان: ۱۲۷)؛ دیوان / کتاب شعر، رودخانه / جایی که رود از آن می‌گذرد، گلستان/ باغ گل (همان: ۱۲۸)؛ طی کنی / طی کنی، طلب / طلب (همان: ۱۳۱)؛ خالق / آفریننده، خرد/ عقل، سرشار / پر (همان: ۱۵۶)؛ عاقبت/ پایان، قبله / طرفی که مسلمانان به آن نماز می‌خوانند (همان: ۱۷۰)؛ کجایید/ کجایید، بیایید/ بیایید (همان: ۱۷۱)؛ پیکر/ تن، جلال/ شکوه (همان: ۱۹۸).

۲-۴. تضاد معنایی

در جلد اول مجموعه کتاب‌های زبان فارسی به تضاد معنایی از انواع روابط معنایی در قسمت واژگان، ساختار و دستور زبان فارسی درس‌ها می‌پردازد.

۲-۴-۱. بررسی تضاد معنایی در جلد اول کتاب زبان فارسی

نویسنده از کلمه «صحیح/ غلط» در بخش واژگان (صفارمقدم، ۱۳۹۱، ج ۱: ۷۷) با معنای متضاد «غلط» استفاده می‌کند.

از کلمه «سؤال/ جواب» (همان: ۱۰۱) با معنای متضاد «جواب» استفاده کرده است که با کلمه متضاد «پاسخ» تضاد معنایی دارد.

از کلمه متضاد «صبح/ شب» (همان: ۹۹) با معنای متضاد «شب» استفاده کرده است که با کلمه متضاد «شب» تضاد دارد.

از کلمه «حاضر/ غایب» (همان: ۱۱۲) با معنای متضاد «غایب» استفاده کرده است که با کلمه متضاد «غایب/ نامهیا / نامستعد» تضاد دارد.

از کلمه «شلوغ/ خلوت» (همان: ۱۴۶) با معنای متضاد «خلوت» استفاده کرده است که با کلمه متضاد «ساکت» تضاد معنایی دارد.

از کلمه «شمال / جنوب» (همان) با معنای متضاد «جنوب» استفاده کرده است که با کلمه «جنوب» تضاد دارد.

این کتاب است / نه آن کتاب نیست (همان: ۲۵)؛ این اتاق بد است / این اتاق خوب است، من استاد نیستم / من دانشجو هستم (همان: ۴۰-۴۱)؛ این مداد است، آن مداد نیست، این کلاس میز دارد یا ندارد (همان: ۴۴).

در قسمت ساختار برای پرداختن به نقش «متضاد» کلمه از پیشوند نفی دستور زبان فارسی استفاده شده است، مانند: هستم / نیستم، هست / نیست، هستیم / نیستیم (همان: ۲۷-۲۸).

نفی منفی ساز + فعل مثبت، مانند: دارم / ندارم، دارد/ ندارد، داریم/ نداریم، دارید / ندارید (همان: ۳۸).

بودن، هستن و داشتن تبدیل شده به متضاد، مانند: هست + ند = هستند/ ن + هست = نیستند، دار + ند = دارند؛ ن + دارند = ندارند (همان: ۴۸).

واژگان متضاد در بخش واژگان کتاب

صحیح/ غلط، بزرگ/ کوچک، پسر/ دختر، خوب/ بد (صفارمقدم، ۱۳۹۱، ج ۱: ۴۵-۴۶)؛ هستند / نیستند، دارند / ندارند (همان: ۴۸).

خانم نامدار دو دختر و یک پسر دارد (همان: ۵۲)؛ مهیار پسر است یا دختر است؟ مهیار پسر است، اینجا کوچک است یا بزرگ؟ اینجا بزرگ است، کلمات پسر/ دختر و کوچک/ بزرگ متضاد هستند (همان: ۵۵).

استفاده از فعل بودن و داشتن: تو هستی / تو نیستی، تو داری / تو نداری: متضادند (همان: ۵۹).

آمدن / رفتن، متضاد هستند (همان: ۶۸).

صفر، یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت، نه، ده، متضاد هستند (همان: ۷۰).
استفاده از تضاد معنایی مانند: حاضر هستم / حاضر نیستم (همان: ۷۲).
استفاده از کلمه منفی در زمان حال آینده در قسمت کتاب کار اثر، مانند: می‌آیم / می‌آیی / می‌آید / می‌آییم / می‌آیید / می‌آیند / نمی‌آیم / نمی‌آیی / نمی‌آید / نمی‌آییم / نمی‌آیید / نمی‌آیند (همان: ۷۴).

با یک دختر آلمانی خیلی با هم دوستیم، اتاق‌های آنجا چطور است؟ کوچک است یا بزرگ است؟ استفاده از کلمه کوچک / بزرگ متضاد هستند (همان: ۷۷).

بیدار / خواب (متضاد) (همان: ۷۸)؛ تغییر معنای جمله‌ها از مثبت به منفی و متضاد مانند: ن + رفتم - نرفتم، آمدن / نیامدم / نیامدی، آقایان خوابگاه را دوست داشتن / نداشتن (متضاد)؛ خانم‌های دانشجو به کلاس آمدن / نیامدن (متضاد)؛ ما دیشب قهوه درست کردیم / نکردیم (متضاد) (همان: ۸۴).

دانشگاه تهران کتابخانه‌های زیادی دارد. این کتابخانه‌ها از صبح تا شب باز هستند (همان: ۹۱)؛ خانم، کتابخانه از کی تا کی باز است؟ از صبح تا شب. استفاده از کلمه متضاد صبح / شب در قسمت متن کتاب (همان: ۹۹) در قسمت ساختار از تضاد معنایی استفاده شده است: یازده، دوازده، سیزده، چهارده، پانزده، شانزده، هفده، هجده، نوزده.

دیر / زود، سؤال / جواب، سؤال کردن از / جواب دادن به، یکشنبه / دوشنبه (همان: ۱۰۰-۱۰۱)؛ استفاده از امر منفی: جایگزین پیشوند مثبت می‌شود، تبدیل به مفهوم تضاد معنایی می‌شود (همان: ۱۰۴)؛ مانند: خوابیدن + نخواب - نخواهد - آمدن + نیا - نیاید.

بفرماید کتاب من باز است یا بسته؟ کتاب‌تان بسته است. استفاده از کلمه متضاد باز / بسته در این جمله برای پرداختن به تضاد است (همان: ۱۰۱).

رو / زیر، روی / زیر، غایب / حاضر، کوتاه / بلند، قبل / بعد (همان: ۱۱۳).

ساعت چهار بعد از ظهر بود. استاد به کلاس آمد و سلام کرد. او تکلیف درس قبل را گرفت و بعد اسم دانشجویان غایب را نوشت. دانشجویان حاضر بیست نفر بودند. استفاده از کلمات متضاد بعد / قبل، غایب / حاضر، در قسمت متن کتاب.

استاد درس دستور زبان را شروع کرد، اول یک مثل روی تخته نوشت و آن را توضیح داد. او از دانشجویان سؤال کرد و آنها جواب دادند. کاربرد سؤال / جواب (متضاد) (همان). در قسمت ساختار: در شمارش اعداد به تقابل پرداخته است: ده، بیست، سی، چهل، پنجاه، شصت، هفتاد، هشتاد، نود (همان: ۱۱۴).

کاربرد کلمات متقابل مانند: صبح به خیر / شب به خیر، صبح شما به خیر / شب شما به خیر (همان: ۱۱۷).

یک عمو دارم، دو دایی، سه خاله و یک عمه؛ آنها کارمندند، خانه دارند، دکترند، کارگرند و.... همه در تهران هستند. از شما دورند یا نزدیکند؟ کلمات دورند / نزدیکند متضاد هستند (همان: ۱۳۲).

خریدن / فروختن (متضاد) (همان: ۱۳۴).

جایگزین پیشنهاد مثبت برای زمان‌ها:

منفی کردن: نروم / نروی / نرود / نرویم / نروید / نروند

می‌توانم بخوابم / نمی‌توانم بخوابم

حال التزامی آمدن: بیایم / بیایی / بیاید / بیایم / بیایند / نیایم / نیایی / نیاید / نیایم /

نیاید / نیایند؛ ماضی التزامی بودن: باشم / باشی / باشد / باشیم / باشید / باشند / نباشم / نباشی /

نباشد / نباشیم / نباشید / نباشند (صفا مقدم، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۳۹).

رفت / آمد، پیاده شدن / سوار شدن، شلوغ / خلوت، شمال / جنوب، سه‌شنبه /

چهارشنبه / پنجشنبه (همان: ۱۴۵).

خوابگاه پسران در شمال خیابان کارگر است. این خیابان در جنوب به میدان انقلاب می‌رسد و دانشگاه تهران نزدیک این میدان است، کلمات: شمال / جنوب متضاد هستند. خوابگاه از دانشگاه کمی دور است و محمد با اتوبوس به دانشگاه می‌رود. او گاهی دوست دارد از خوابگاه پیاده به دانشگاه برود تا فروشگاه‌ها، مغازه‌ها و رفت‌وآمد مردم را در خیابان‌ها و چهارراه‌ها ببیند.

مردم تهران برای رفت‌وآمد در شهر سوار اتومبیل، اتوبوس، مترو، تاکسی و مینی‌بوس می‌شوند. خیابان‌های این شهر معمولاً شلوغ‌اند. کلمات: رفت / آمد متضاد هستند (همان: ۱۴۶). در قسمت ساختار کتاب کار به تضاد معنایی می‌پردازد: شب / روز، امروز / فردا، درست / غلط، خوب / بد (همان: ۱۴۷)؛ شنبه / یکشنبه / دوشنبه / سه‌شنبه / چهارشنبه / پنجشنبه / جمعه (همان: ۱۵۰).

کدام شهرها در کشورتان مترو دارند؟ شهر شما بزرگ و شلوغ است یا کوچک و خلوت است؟ کدام خیابان‌ها در شهرتان بزرگ و قشنگ‌اند؟ چه روزهایی شلوغ‌اند؟ کدام روزها خلوت‌اند؟ مردم با چه چیزهایی رفت‌وآمد می‌کنند؟ کلمات رفت / آمد، بزرگ / کوچک، شلوغ / خلوت، تضاد معنایی دارند (همان: ۱۵۴).

آهسته / تند (همان: ۱۵۶)؛ رستوران فقط ناهار می‌دهد یا صبحانه و شام هم می‌دهد؟ کلمات صبحانه / شام متضاد هستند (همان: ۱۶۵).

جدول ۱: تعداد و درصد «روابط معنایی» در جلد اول کتاب «زبان فارسی»

رابطه معنایی	تعداد	درصد
هم‌معنایی	۱۵	۱۸/۷۵
تضاد معنایی	۶۵	۸۱/۲۵
جمع	۸۰	۱۰۰

در جلد اول، داده‌های تضاد معنایی با تعداد ۶۵ و با ۸۱/۲۵ درصد که بیشتر مربوط به سطح زبان‌آموزان مبتدی و پایه است، بیشتر در زمینه تلفظ و آموزش تکلم می‌باشد؛ زیرا

بخش دستوری و تلفظ در جلد اول نسبت به جلد‌های دوم با تعداد ۶۲ و با ۵۲/۹۹ درصد؛ جلد سوم با تعداد ۳۵ و با ۳۷/۲۳ درصد و جلد چهارم با تعداد ۳۵ و با ۳۷/۲۳ درصد بیشتر است.

۴-۲-۲. بررسی تضاد معنایی در جلد دوم کتاب زبان فارسی

کاربرد واژه «باز / بسته» در بخش تمرین کتاب (صفارمقدم، ۱۳۹۱، ج ۲: ۶۷) با کلمه متضاد (بسته) به تضاد می‌پردازد و با کلمات و واژه‌های «محدود / مقابل گشاده و نقیض گشاده، مسدود» تضاد معنایی دارد.

نویسنده از واژه «دشمن / دوست» (همان: ۷۳) در بخش واژگان کتاب از کلمه متضاد «دوست» استفاده کرده است که با واژه متضاد «خیرخواه / یار / رفیق، یار همدم، رفیق مهربان» تضاد معنایی دارد.

واژه «کم / بسیار» (همان: ۷۶) با کلمه متضاد «بسیار» به صورت مخالف به کاررفته، و با کلمات «زیاد/نقیض کم» دارای تضاد معنایی است.

با کاربرد واژه «سیاه / سفید» (همان: ۸۶) با معنای متضاد «سفید» استفاده کرده، و با واژه‌های «سفید، نقیض سیاه، آنچه به رنگ برف یا شیر باشد» تضاد معنایی دارد.

کاربرد واژه «نقد/نسیه» (همان: ۹۶) با معنای متضاد «نسیه» به صورت مخالف و با واژه‌های «آنچه نقد نباشد، آنچه به وعده فروخته شود، خریدن و فروختن چیزی به صورتی که پول آن بعداً پرداخت شود» دارای تضاد معنایی است.

استفاده از واژه «آینده / گذشته» (همان: ۱۳۳) از کلمه متضاد «گذشته» با واژه مقابل «آینده» دارای تضاد معنایی است.

در بخش ساختار شکل پیوسته بودن: اسم، صفت یا ضمیر + شناسه‌های بودن:

مثال منفی بودن: نیستم / نیستی / نیست / نیستیم / نیستید / نیستند.

مثال: هستم / هستی / هست / هستیم / هستید / هستند (همان: ۴).

حال ساده داشتن؛ مثال مثبت: دارم / داری / دارد / داریم / دارید / دارند.

مثال منفی: ندارم / نداری / ندارد / نداریم / ندارید / ندارند (همان: ۵).

شمال / جنوب، بزرگ / کوچک: متضاد (همان: ۱۵)؛ آمد / رفت، نرفتم / نیامدم: متضاد (همان: ۱۸۱۶).

تهران پایتخت است / تهران پایتخت نیست (همان)؛ در پایتخت، مردم با چه رفت‌وآمد می‌کنند؟ رفت / آمد، است / نیست: متضاد (همان: ۲۴)؛ دختران / پسران، دختر / پسر: متضاد (همان: ۲۷)؛ حاضر / غایب: متضاد (همان: ۳۶)؛ در ساختار در کتاب کار: می + ستاک حال، مثال مثبت: می‌روم / می‌روی / می‌رود / می‌رویم / می‌روید / می‌روند، مثال منفی: نمی‌روم / نمی‌روی / نمی‌رود / نمی‌رویم / نمی‌روید / نمی‌روند (همان: ۲۸).
شهر تهران پایتخت ایران است / شهر همدان پایتخت ایران نیست که «است / نیست»، متضادند (همان: ۳۲).

ساختار در کتاب کار: مثال مثبت و مثال منفی: بسازید / نسازید (همان: ۴۰)؛ داخل / خارج (همان: ۴۹).

ساختار در کتاب کار: ب + ستاک حال + شناسه‌های حال، مثال مثبت: بروم / بروی / برود / برویم / بروید / بروند؛ مثال منفی: نروم / نروی / نرود / نرویم / نروید / نروند (همان: ۵۴-۵۲).

گرم / سرد، زن / مرد، کوچک / بزرگ (همان: ۶۳)؛ همیشه / هرگز، هر کس / هیچ کس، باز / بسته، سرد / گرم، سیر / گرسنه، سؤال / جواب، آهسته / تند، شلوغ / خلوت (همان: ۶۷)؛ من هم گرسنه بودم هم تشنه / او نه گرسنه بود نه تشنه (متضاد) (همان: ۶۸).

مثال مثبت: شناسه‌های حال التزامی در گفتار = شناسه حال اخباری:

رفتن: برم / بری / بره / بریم / برین / برن.

آمدن: بیام / بیای / بیاد / بیایم / بیاین / بیان.

خواستن: بخوام / بخوای / بخواد / بخوایم / بخواین / بخوان.

مثال منفی: نرم / نیام / نخوام (صفارمقدم، ۱۳۹۱، ج ۲: ۷۱).

دشمن / دوست (متضاد) (همان: ۷۴)؛ صد دوست کم است و یک دشمن بسیار. کم /

بسیار (متضاد) (همان: ۷۶).

مثال مثبت صفت مفعولی از ستاک گذشته + ه ساخته می‌شود: رفته + ه = رفته، آمد + ه = آمده، مثال منفی: گذشته نقلی از صفت مفعولی + شناسه‌های بودن ساخته می‌شود. ن + فعل مثبت مثال منفی: نرفته ام / نیامده‌ام (همان: ۷۸).

شکل گفتاری گذشته نقلی مانند شکل گفتاری گذشته ساده است: فقط فعل سوم شخص مفرد فرق دارد، مثال فعل مثبت گذشته ساده: رفتم / رفتی / رفت / رفتیم / رفتید / رفتند.

گذشته نقلی: رفته‌ام / رفته‌ای / رفته‌است / رفته‌ایم / رفته‌اید / رفته‌اند، شکل گفتاری منفی در گذشته نقلی مانند گذشته ساده است، فقط فعل سوم شخص مفرد (او) فرق دارد؛ مثال: نرفتم / نرفته‌ام، نرفت / نرفته است.

سیاه / سفید، خرید / فروش (متضاد) (همان: ۸۶-۸۷)؛ کوچک‌ترین / بزرگ‌ترین، نقد / نسیه (متضاد) (همان: ۹۶)؛ گذشته دور از صفت مفعولی + گذشته بودن ساخته می‌شود. ن + فعل مثبت: نرفته بودم / نیامده بودی / صدا نکرده بود.

ناهار / شام، صبح / شب: متضاد (همان: ۱۱۱).

ساختار در کتاب کار: حال جاری از حال ساده داشتن + حال اخباری ساخته می‌شود جای داشتن، معمولاً بعد از فاعل:

مثال مثبت: دارم می‌روم / داری می‌روی / دارد می‌رود / داریم می‌رویم / دارید می‌روید / دارند می‌روند (همان: ۱۱۲) و مثال منفی: داشتن را برمی‌داریم و قبل از فعل، ن می‌گذاریم: ن + دارم می‌روم = نمی‌روم / نمی‌آید / زیارت نمی‌کند.

شما به زیارتگاه می‌روید یا نه؟ اگر دوست ندارید جواب بدهید اشکال ندارد جواب ندهید، ممکن است بگویید در خانه شما که غذا می‌پزد و که می‌خورد؟ چه مزه‌ای بهتر است؟ ترش، شیرین، شور، بی‌نمک؟ بدهید / ندهید، ترش / شیرین، شور / بی‌نمک (متضاد) (همان: ۱۲۰)؛ هرچیز / هیچ‌چیز، زن / مرد، پیر / جوان (متضاد) (همان: ۱۲۳).

ساختار در کتاب کار: گذشته استمراری از می + گذشته ساده + شناسه‌های گذشته ساخته می‌شود؛ مثال مثبت: می‌رفتم / می‌رفتی / می‌رفت / می‌رفتیم / می‌رفتید / می‌رفتند (همان: ۱۲۴) و مثال منفی: ن+ فعل مثبت: نمی‌رفتم / فکر نمی‌کردم / کار نمی‌کرد (همان: ۱۲۶).

هم خدا را می‌خواهد، هم خرما را (همان: ۱۲۸)؛ در شهر شما هوا چطور است؟ گرم، سرد، خشک، تمیز، کثیف؟ هوای آنجا در تابستان و زمستان چطور است. گرم / سرد- تمیز / کثیف- تابستان / زمستان (متضاد) (همان: ۱۳۲)؛ آور/ بردن، آینده / گذشته (متضاد) (همان: ۱۳۳).

ساختار در کتاب کار: مصدر کوتاه شکل ستاک گذشته را دارد و در فعل آینده به معنی مصدر است؛ مثال مثبت: خواندن / رفتن / گفتن.

آینده: زمان آینده از حال ساده خواستن + مصدر کوتاه ساخته می‌شود:

مثال مثبت: خواهم / خواهی / خواهد / خواهیم / خواهید / خواهند (همان: ۱۳۶).

مثال منفی: نخواهم رفت / گفتگو نخواهیم کرد / دعوت نخواهیم شد (همان: ۱۳۸).

امروز همه استادان مهمان دانشگاه تهران‌اند، به هتل نمی‌آیند. شب چطور؟ شب برای

شام می‌آیند؟

نخیر آقا، امشب مهمان دانشگاه آزادند، دیر می‌آیند، می‌آیند / نمی‌آیند (متضاد)

(همان: ۱۴۴)؛ گذشته / امروز (متضاد) (همان: ۱۴۷).

ساختار در کتاب کار: گذشته جاری از گذشته ساده داشتن + گذشته استمراری ساخته

می‌شود. جای داشتن معمولاً بعد از فاعل است؛ مثال مثبت: من داشتم می‌رفتم / تو داشتی

می‌رفتی / او داشت می‌رفت / ما داشتیم می‌رفتیم / شما داشتید می‌رفتید / آنها داشتند می‌رفتند

و مثال منفی: داشتن را برمی‌داریم و قبل از فعل، (ن) می‌گذاریم: ن+ داشتم می‌رفتم =

نمی‌رفتم / کمک نمی‌کردند (همان: ۱۴۸).

دختر مال خودمان است / پسر مال دیگران. خودمان / دیگران (متضاد) (همان: ۱۵۰)؛

راست / چپ (متضاد) (همان: ۱۵۶).

منفی مجهول: در فعل مجهول، فقط شدن منفی می‌شود؛ مثال منفی: این در بسته می‌شود / این در بسته نمی‌شود، آن پنجره درست شد / آن پنجره درست نشد (همان: ۱۶۱—۱۶۲)؛ شمال / جنوب (همان: ۱۷۱).

جدول ۲: تعداد و درصد «روابط معنایی» در جلد دوم کتاب «زبان فارسی»

رابطه معنایی	تعداد	درصد
هم‌معنایی	۵۵	۰/۴۷
تضاد معنایی	۶۲	۵۲/۹۹
جمع	۱۱۷	۱۰۰

در جلد دوم، داده‌های تضاد معنایی با تعداد ۶۲ و با ۵۲/۹۹ درصد نسبت به جلد‌های سوم با تعداد ۳۵ و با ۳۷/۲۳ درصد و چهارم با تعداد ۳۵ و با ۳۷/۲۳ درصد بیشتر استفاده شده است، بیشتر در قسمت دستوری و متن کتاب به کار رفته است؛ زیرا دارای سطح متوسط آموزشی برای زبان‌آموزان است.

۳-۲-۴. بررسی تضاد معنایی در جلد سوم کتاب زبان فارسی

استفاده از واژه «روستا/ شهر» (صفارمقدم، ۱۳۹۱، ج ۳: ۵۵) با واژه متضاد «شهر» به صورت تضاد و با واژه «جایی که خانه‌ها / عمارات / خیابان‌ها / کوچه‌های زیادی در آن وجود دارد» دارای تضاد معنایی است.

واژه «مشکل / هرچیز آسان و ساده» (همان: ۹۲) با واژه متضاد «هرچیز آسان و ساده» به عنوان تضاد استفاده شده، و با کلمات «ساده / سهل / آسان / راحت / مرفه / خوش» دارای تضاد معنایی است.

واژه «ایرانی / خارجی» (همان: ۱۰۴) با واژه «خارجی» دارای تضاد بوده است و با واژگان «خارجی / فرنگی / بیگانه» دارای تضاد معنایی است.

واژه «گم / پیدا» (همان: ۱۰۶) با واژه «پیدا» کلمه مخالف استفاده شده و با واژگان «پیدا / آشکارا / واضح / مشخص، مقابل نهان» به صورت تضاد معنایی به کار رفته است.

واژه «دشمن / دوست» (همان: ۱۲۵) با واژه «دوست» به عنوان کلمه متضاد به کار رفته، و با واژگان مقابل «دشمن / محب / یار و همدم» دارای تضاد معنایی است. واژه «تندرستی / بیماری» (همان: ۱۷۳) با واژه «بیماری» تضاد دارد و با واژگان «بیماری / دردمندی / رنجوری / مرض و ناخوشی» دارای تضاد معنایی است.

جواب داد / جواب نداد (همان: ۲۲)؛ کم آب / پر آب (همان: ۳۹)؛ روستا / شهر (همان: ۵۵)؛ آشپز که دو تا شد آتش یا شور می‌شود یا بی‌نمک (همان: ۷۲)؛ مشکل / هرچیز آسان و ساده (همان: ۹۲)؛ ایرانی / خارجی (همان: ۱۰۴)؛ گم / پیدا، گم کردن / پیدا کردن (همان: ۱۰۶)؛ دشمن / دوست (همان: ۱۲۵)؛ دانا / نادان، به دنیا آمدن / از دنیا رفتن (همان: ۱۵۹)؛ تندرستی / بیماری، جوانی / پیری، زندگی / مرگ، روی میز / زیر میز، روی زمین / روی زمین، روی درخت / زیر درخت (همان: ۱۷۳). در بخش ساختار کتاب تضاد معنایی به صورت حال اخباری، گذشته ساده، گذشته نقلی و گذشته دور، به کار رفته است:

حال اخباری:

نمونه مثبت مانند: می‌روم / می‌روی / می‌رود / می‌رویم / می‌روید / می‌روند.
نمونه منفی مانند: نمی‌روم / نمی‌روی / نمی‌رود / نمی‌رویم / نمی‌روید / نمی‌روند.

گذشته ساده:

نمونه مثبت مانند: رفتم / رفتی / رفت / رفتیم / رفتید / رفتند.
نمونه منفی مانند: نرفتم / نرفتی / نرفت / نرفتیم / نرفتید / نرفتند.

گذشته دور:

نمونه مثبت مانند: رفته بودم / رفته بودی / رفته بود / رفته بودیم / رفته بودید / رفته بودند.

نمونه منفی مانند: نرفته بودم / نرفته بودی / نرفته بود / نرفته بودیم / نرفته بودید / نرفته بودند (صفارمقدم، ۱۳۹۱، ج ۳: ۱۶-۱۷).

منفی التزامی:

جمله‌های التزامی: معمولاً دارای دو فعل هستند؛ فعل اول مانند جمله‌های دیگر منفی می‌شود، مانند: نمی‌خواهم بروم.

در جمله‌های التزامی فعل دوم هم ممکن است منفی شود، مانند: می‌خواهم نروم. فعل بعد از باید کمتر منفی می‌شود. در زبان فارسی امروز قید است و فقط فعل بعد از آن منفی می‌شود، مانند: شاید بروم / شاید نروم. گذشته التزامی مانند حال التزامی منفی می‌شود، مانند: نرفته‌باشم / کارنکرده باشد (همان: ۳۱-۳۲). همچنین فعل التزامی بدون استفاده از کلمه اجازه و افعال دیگر برای گرفتن اجازه به کار می‌رود، مانند: بروم؟ نروم؟ (همان: ۴۴).

حال جاری:

نمونه مثبت: دارم می‌روم / داری می‌روی / دارد می‌رود. نمونه منفی: من دارم می‌روم / من نمی‌روم / من داشتم می‌رفتم / من نمی‌رفتم. گذشته نقلی استمراری: با می + صفت مفعولی + شناسه‌های حال بودن ساخته می‌شود؛ این شناسه‌ها پس از صفت مفعولی با (ا) شروع می‌شوند: مانند: می‌رفته‌ام / می‌رفته‌ای / می‌رفته است / می‌رفته‌ایم / می‌رفته‌اید / می‌رفته‌اند (همان: ۵۷). منفی = ن + فعل مثبت: نمی‌رفته‌ام / زندگی نمی‌کرده است (همان: ۵۸).

فعل امر:

نمونه مثبت: بخواب / بخوابید / بنشین / بنشینید / بگو / بگوئید. نمونه منفی: نخواب / نخوابید / ننشین / ننشینید / نگو / نگوئید (همان: ۸۱). مصدر کوتاه شکل ستاک گذشته را دارد و در فعل آینده به معنای مصدر کامل است رفت / بافت / ساخت.

آینده: نمونه مثبت: خواهم رفت / خواهی رفت / خواهد رفت / خواهیم رفت / خواهید رفت / خواهند رفت.

نمونه منفی: نخواهم رفت / نخواهی رفت / نخواهد رفت / نخواهیم رفت / نخواهید رفت / نخواهند رفت (همان: ۹۴).

هر کدام / هیچ کدام + ضمیر شخصی از واژه‌های هر کدام و هیچ کدام + ضمیر شخصی به صورت متضاد استفاده کرده است.

هر کدام از هر کدوممون، هیچ کدام از ما (هیچ کدوممون).

هر کدام از شما، هر کدومتون، هیچ کدام از شما (هیچ کدومتون).

هر کدام از آنها، هر کدومشون، هیچ کدام از آنها (هیچ کدومشون) (همان: ۱۲۹).

جدول ۳: تعداد و درصد «روابط معنایی» در جلد سوم کتاب «زبان فارسی»

رابطه معنایی	تعداد	درصد
هم‌معنایی	۵۹	۶۲/۷۶
تضاد معنایی	۳۵	۳۷/۲۳
جمع	۹۴	۱۰۰

در جلد سوم، داده‌های تضاد معنایی با تعداد ۳۵ و با ۳۷/۲۳ درصد که نسبت به جلد اول با تعداد ۶۵ و با ۸۱/۲۵ درصد و جلد دوم با تعداد ۶۲ و با تعداد ۵۲/۹۹ درصد کمتر استفاده شده و بیشتر در قسمت دستوری و متن به کار رفته است.

۴-۲-۴. بررسی تضاد معنایی در جلد چهارم کتاب زبان فارسی

نویسنده واژه «خنده / گریه» در بخش واژگان کتاب (صفارمقدم، ۱۳۹۱، ج ۴: ۱۶) را با واژه متضاد «گریه» به کار برده، و با واژگان «گریستن / اشک ریختن» دارای تضاد معنایی است.

واژه «متصل شدن / جدا شدن» (همان: ۵۸) در واژگان با معنای متضاد «جدا شدن»

به کار رفته، و با واژگان «گسیخته شدن / منفصل شدن» دارای تضاد معنایی است.

واژه «نمی‌رسد / می‌رسد» (همان: ۶۳) با واژه متضاد «می‌رسد» تضاد معنایی دارد.

واژه «زشت / زیبا» (همان: ۷۲) با واژه «زیبا» به عنوان واژه متضاد به کار رفته، و با واژگان متضاد «زیبنده / نیکو و خوب که نقیض زشت و بد باشد، شایسته / زیبا» دارای تضاد معنایی است.

واژه «آشنا / بیگانه» (همان: ۱۳۱) به معنای متضاد «بیگانه» به کار رفته است و با واژه‌های «ناآشنا مقابل آشنا / غریب» تضاد معنایی دارد.

واژه «قاعدۀ / استثنا» (همان) در تمرین کتاب با واژه مخالف و متضاد «استثنا» به کار رفته است و تضاد معنایی دارد.

واژه «نامید / امیدوار» (همان: ۱۷۰) در واژگان کتاب با واژه «امیدوار» به صورت تضاد معنایی به کار رفته، و با کلمات «آرزومند و مشتاق» دارای تضاد معنایی است.

واژه «بدارید / مدارید» (همان: ۱۶۰) با واژه «مدارید» دارای تضاد معنایی است.

واژه «ابری / آفتابی» (همان: ۲۰۵) در تمرین کتاب با واژه «آفتابی» دارای تضاد معنایی است و با کلمات و واژگان «منسوب به آفتاب / پیداشدن» تضاد معنایی دارد.

واژه «کهنه و قدیمی / نو» (همان: ۱۸۴) با واژه «نو» دارای تضاد و با واژه «تازه» دارای تضاد معنایی است.

واژه «وفادار / بی‌وفا» (همان: ۲۰۵) در تمرین کلمات مخالف با واژه «بی‌وفا» دارای تضاد و با واژگان «کسی که وفا ندارد مقابل باوفا» دارای تضاد معنایی است.

واژه «حداکثر / حداقل / دست‌کم» (همان: ۱۴۲) با واژه «حداقل و دست‌کم» دارای تضاد معنایی و با واژگان «دست‌کم» دارای تضاد معنایی است.

واژه «مستی / هوشیاری» (همان: ۱۶۳) با واژه «هوشیاری» دارای تضاد معنایی است. در بخش ساختار کتاب (همان: ۲۱) وندهای صرفی در صرف فعل، درجات صفت، جمع اسم و عدد به کار می‌روند:

الف) می، نشانه حال اخباری و گذشته استمراری: می‌خندم، می‌خندیدم.

ب) شناسه‌های زمان حال و گذشته (-م / -ی / -د): می‌خندم، می‌خندیدم و...

پ) ب، پیشوند فعل امر و حال التزامی: بخند، بخندد.

ت) ن، پیشوند فعل نهی ونفی: نخند، نمی‌خندد (همان: ۲۱-۲۲).

پیشوندهای «با، بی، نا» در بخش ساختار — کتاب کار (همان: ۷۷)، این پیشوندها برای ساختن صفت به کار می‌روند:

مانند: با (دارای): با ارزش، با شکوه.

مانند: بی (بدون): بی‌ارزش، بی‌نظیر، بی‌نمک، بی‌انصاف.

مانند: نا (منفی یا مخالف): نادان، ناراحت، ناراضی.

در بخش ساختار — کتاب کار (همان: ۸۹) صفت‌های مبهم به اندازه و مقدار نامعین اشاره می‌کنند و با اسم همراه می‌باشند، مانند: برخی (برخی کشورها)، بسیاری (بسیاری جوانان)، بعضی (بعضی مردم)، چند (چند روز)، هر (هر عنصر)، همه (همه نوع)، هیچ (هیچ عدالتی)، خیلی (خیلی روزها).

ضمیر مبهم: اگر صفت‌های مبهم بدون اسم به کار روند «ضمیر مبهم» نامیده می‌شوند، مانند: بعضی خوابیدند، برخی نیامدند، بسیاری مردند، قدری فکر کردم، همه راضی بودند، همه امضا کردند، هیچ نگفت.

بیشتر ضمیرهای مبهم با چیز، کس، کدام و یک ساخته می‌شوند؛ مانند:

چیزی: هر چیزی / هیچ چیز / هیچ چیزی / همه چیز.

کسی: هر کس / هر کسی / هیچ کس / هیچ کسی / همه کس.

هر کدام / هر یک / هیچ کدام / هیچ یک.

ترکیبات (چیز و کس) هم با فعل مثبت و هم با فعل منفی به کار می‌روند.

اما ترکیبات هیچ فقط با فعل منفی می‌آیند؛ مانند: چیزی خریدم / کسی را دیدم / چیزی نخریدم / کسی را ندیدم / هیچ چیز نخریدم / هیچ کس را ندیدم / هیچ کدام را نمی‌خواهم (همان: ۹۰).

جدول ۴: تعداد و درصد «روابط معنایی» در جلد چهارم کتاب «زبان فارسی»

رابطه معنایی	تعداد	درصد
هم‌معنایی	۵۹	۶۲/۷۶

رابطه معنایی	تعداد	درصد
تضاد معنایی	۳۵	۳۷/۲۳
جمع	۹۴	۱۰۰

در جلد چهارم، داده‌های تضاد معنایی با تعداد ۳۵ و با ۳۷/۲۳ درصد که باز نسبت به جلدهای اول با تعداد ۶۵ و با ۸۱/۲۵ و جلد دوم با تعداد ۶۲ و با ۵۲/۹۹ درصد دارای سطح کاربرد کمتری است.

۵. بررسی و تحلیل آماری داده‌های هم‌معنایی و تضاد معنایی در چهار جلد کتاب «زبان فارسی»

۵-۱. تحلیل آماری هم‌معنایی در چهار جلد

در جلد اول، داده‌های هم‌معنایی با تعداد ۱۵ و با ۱۸/۷۵ درصد نسبت به جلدهای دوم با تعداد ۵۵ و با ۴۷ درصد، جلد سوم با تعداد ۵۹ و با ۶۲/۷۶ درصد و جلد چهارم با تعداد ۵۹ و با ۶۲/۷۶ درصد به کار رفته است، زیرا در جلد اول کتاب صفارمقدم بیشتر مطالب آموزشی کتاب در زمینه تلفظ حروف الفبای فارسی و واژگان و دستور فارسی است؛ همچنین استفاده از زبان انگلیسی برای آموزش به زبان‌آموزان مبتدی که آشنایی با زبان فارسی ندارند به نسبت جلدهای دوم، سوم و چهارم بیشتر استفاده شده است؛ بنابراین تمرکز این جلد بر آموزش الفبا، تلفظ و واژگان پایه است که فضای کمی برای ارائه مترادف‌ها باقی می‌گذارد.

در جلد دوم، داده‌های هم‌معنایی با تعداد ۵۵ و با ۴۷ درصد نسبت به جلد اول بیشتر می‌باشد که این امر نشان‌دهنده ورود زبان‌آموز به سطح متوسط و نیاز به گسترش دایره واژگان است.

در جلد سوم، داده‌های هم‌معنایی با تعداد ۵۹ و با ۶۲/۷۶ درصد نسبت به جلد دوم با تعداد ۵۵ و ۴۷ درصد در سطح بالاتری است.

در جلد چهارم نیز با تعداد ۵۹ و با ۶۲/۷۶ درصد به هم‌معنایی می‌پردازد و دارای سطح مساوی با جلد سوم می‌باشد. این افزایش در جلد سوم و چهارم منطبق با نیاز زبان‌آموز پیشرفته به بیان دقیق‌تر و متنوع‌تر مفاهیم است.

۵-۲. تحلیل آماری تضاد معنایی در چهار جلد

در جلد اول، داده‌های تضاد معنایی با تعداد ۶۵ و با ۸۱/۲۵ درصد که مربوط به سطح زبان‌آموزان مبتدی و پایه است، بیشتر در زمینه تلفظ و آموزش تکلم است. دلیل آن نقش محوری تضاد در آموزش دستور پایه است، مانند: نفی، تقابلهای ساده.

در جلد دوم، داده‌های تضاد معنایی با تعداد ۶۲ و با ۵۲/۹۹ درصد در مقایسه با جلد سوم با تعداد ۳۵ و با ۳۷/۲۳ درصد و جلد چهارم با تعداد ۳۵ و با ۳۷/۲۳ درصد بیشتر به کار رفته است. این میزان در مقایسه با جلد اول کاهش می‌یابد، اما همچنان پرکاربردتر از هم‌معنایی است. این امر بیانگر تداوم نیاز به تقویت ساختارهای زبانی در سطح متوسط می‌باشد.

در جلد سوم، داده‌های تضاد معنایی با تعداد ۳۵ و با ۳۷/۲۳ درصد نسبت به جلد اول با تعداد ۶۵ و با ۸۱/۲۵ درصد و جلد دوم با تعداد ۶۲ و با تعداد ۵۲/۹۹ درصد کمتر استفاده شده و بیشتر در قسمت دستوری و متن به کار رفته است.

در جلد چهارم، داده‌های تضاد معنایی با تعداد ۳۵ و با ۳۷/۲۳ درصد نسبت به جلدهای اول با تعداد ۶۵ و با ۸۱/۲۵ و جلد دوم با تعداد ۶۲ و با ۵۲/۹۹ درصد سطح کاربرد کمتری دارد. علت کاهش قابل توجه در این سطوح، تمرکز بیشتر بر تفاوت‌های معنایی ظریف و نه تقابلهای ساده است.

جدول ۵: تعداد و درصد «روابط معنایی» در چهار جلد کتاب «زبان فارسی»

رابطه معنایی	تعداد	درصد
هم‌معنایی	۱۸۸	۴۸/۸۳
تضاد معنایی	۱۹۷	۵۱/۱۶

جمع	۳۸۵	۱۰۰
-----	-----	-----

درصد کل آماری داده‌های هم‌معنایی و تضاد معنایی در چهار جلد بنابر نتایج موجود در جدول ۵ چنین است:

هم‌معنایی با تعداد ۱۸۸ و با ۴۸/۸۳ درصد است، داده‌های تضاد معنایی با تعداد ۱۹۷ و با ۵۱/۱۶ درصد استفاده شده و نسبت کاربرد داده‌های هم‌معنایی به داده‌های تضاد معنایی در جایگاه دوم قرار گرفته است.

۶. نتیجه‌گیری

با نگاهی گذرا به روش‌های آموزش مربوط به تدریس زبان، می‌توان تکرار و تمرین را در آموزش زبان، به‌ویژه در دوره مقدماتی امری بدیهی و مهم یافت. در تدریس ساده زبان به خصوص در سطوح پایین و مقدماتی هنوز به شکل گسترده‌ای در سراسر دنیا به کار می‌رود که تمرین و تکرار در این روش از اهمیت بالایی برخوردار است. با توجه به نظر محقق که به روابط معنایی و شیوه آموزش آنها در مجموعه کتاب‌های زبان فارسی صفارمقدم به پژوهش پرداخته است، درصد کاربرد هم‌معنایی، تضاد معنایی در جلد اول، دوم، سوم و چهارم از این قاعده مستثنا می‌باشد. تمرین و تکرار واژگان که نویسنده کتاب در جمله‌ها لحاظ کرده تا مطمئن باشد خواننده مبتدی قادر به درک مطلب خواهد بود و این نکته بسیار اهمیت دارد. در این پژوهش و در آموزش زبان فارسی در کتاب چهار جلدی صفارمقدم به این امر توجه شده و برای سهولت فراگیری از زبان واسطه (انگلیسی) که در بیشتر کشورها رواج دارد استفاده کرده است. مؤلف در جلد اول کتاب روابط معنایی و به‌ویژه در قسمت‌های اول کتاب از زبان انگلیسی به میزان بیشتری نسبت به جلدهای بعدی برای توضیحات، راهنمایی و آموزش درس استفاده کرده است؛ زیرا زبان‌آموزان در مراحل ابتدایی آشنایی کم و ناکافی نسبت به زبان فارسی دارند و این نکته که نویسنده برای کمک به درک، همراهی و آشنایی زبان‌آموزان مقدماتی جهت کمک به تفهیم زبان فارسی از سوی خود زبان‌آموزان از این راه اقدام کرده و نیز جهت آموزش و نهادینه‌شدن یادگیری الفبا و آشنایی با الفبای فارسی و واژگان، اصطلاحات

از لحاظ گفتاری و نوشتاری و از لحاظ تلفظ و ایجاد ارتباط در مراحل ابتدایی با مطالب درسی با همراهی انگلیسی به درک هرچه بهتر درس توسط زبان‌آموز کوشیده است. استفاده از زبان واسطه‌ای انگلیسی برای برقراری ارتباط برای آموزش زبان فارسی در مجموعه کتاب‌های آموزش زبان فارسی از سوی استاد، بسیار کمک‌کننده است. از جهت تفهیم بهتر آموزش زبان فارسی و در ادامه تأکید مؤلف بر آموزش و یادگیری مهارت تکلم و نحوه تنظیم مطالب می‌باشد. برای تسهیل و تسریع در فراگیری این مهارت جای تأمل دارد و نویسنده در جلد اول با عنوان درس‌های پایه برای آموزش زبان فارسی از آن بهره برده و بیشتر به مباحث آموزش ابتدایی برای زبان‌آموزان پرداخته و در جلد دوم نسبت به جلد اول به استفاده کمتر از مباحث انگلیسی برای آموزش پرداخته است. در جلد سوم نیز با توجه به یادگیری بیشتر زبان‌آموزان از زبان فارسی از واژه‌های فارسی بیشتر به جای انگلیسی استفاده کرده که کاربرد کلمات و واژگان هم‌معنا و تضاد معنایی در جلد دوم و سوم بیشتر شده است. در جلد چهارم و با توجه به سطح پیشرفت زبان‌آموزان و فراگیران و با توجه به اینکه زبان‌آموزان فارسی ارتباطات زبانی بیشتری را تجربه کرده‌اند، کاربرد کلمات و واژگان سیر صعودی را می‌پیماید و استفاده از واژگان مناسب که یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین عناصر انتقال‌دهنده معنا در هر زبان، واژگان آن زبان است که در برقراری ارتباط و درک متقابل نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند. بدیهی است که یادگیری زبان دوم (فارسی) بدون واژگان امکان‌پذیر نیست، زیرا در بیشتر موارد در صورت استفاده از واژگان و اصطلاحاتی که کاربردی نبوده‌اند، زبان‌آموزان در برقراری ارتباط روزمره با مردم دچار مشکل شده‌اند و این واژگان پاسخ‌دهنده نیاز زبان‌آموزان در هنگام ارتباط نخواهند بود؛ زیرا افراد فارسی‌زبان بسیاری از این واژه‌ها را به کار نمی‌گیرند و نقش استفاده از واژگان در قالب‌های هم‌معنایی و تضاد معنایی در زمینه آموزش زبان فارسی بسیار مهم است. پس استفاده از واژگان در قالب هم‌معنایی و تضاد معنایی برای آموزش زبان فارسی از جهت کاربردی و پیوستاری بودن واژگان و شکل‌گیری مفاهیم در ذهن و ایجاد زمینه درک از کلمات و تفهیم و حفظ واژگان از راه آموزش فارسی در ذهن زبان‌آموز کمک شایانی به آموزش زبان فارسی برای استادان و زبان‌آموزان می‌کند و نیز درک روابط معنایی فراگیران

به تدریج و همگام با آشنایی با زبان افزایش می‌یابد. محتوا و توالی واژگان در قسمت‌های هم‌معنایی، تضاد معنایی در کتاب جلد اول برای زبان‌آموزان مبتدی کمی سنگین بوده، ولی به تدریج در جلد‌های دوم، سوم و چهارم متناسب شده است و با شیب منطقی به آن می‌پردازد. جلد اول بیشتر مطالب آموزش کتاب در زمینه تلفظ حروف و واژگان و بخش دستوری فارسی است و داده‌های تضاد معنایی در جلد اول کتاب بیشتر است. نسبت به جلد‌های بعدی، داده‌های هم‌معنایی نیز در جلد سوم کتاب نسبت به جلد‌های اول، دوم و چهارم بیشتر است. هدف کتاب آموزش زبان فارسی ایجاد ارتباط و تعامل زبانی بین ایران و ملت‌های دیگر جهان و ترویج جذابیت‌های تاریخ فرهنگ و تمدن ایران، عنوان‌بخشی از میراث فرهنگی جهان و تألیف کتاب‌های درسی ضمن ارتقای سطح و کیفیت آموزش با بهره‌گیری از پیشرفت‌های جهانی و تولید نرم‌افزارهای لازم برای ارتقای آموزش و غنی‌سازی کتب آموزشی فارسی برای آموزش بهتر برای زبان‌آموزان است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد آموزشی به کار رفته در مجموعه چهارجلدی «زبان فارسی» صفارمقدم از نظم و توالی آموزشی منطقی برخوردار است؛ در جلد اول با هدف ایجاد پایه‌های زبانی، تأکید اصلی بر تضاد معنایی است تا زبان‌آموز بتواند ساختارهای جمله و روابط منطقی ساده را درک کند. با پیشرفت به جلد دوم، توازن بیشتری بین دو رابطه ایجاد می‌شود و در جلد‌های سوم و چهارم، هم‌معنایی به عنوان ابزاری برای غنی‌سازی بیان و درک ظرافت‌های معنایی، جایگاه برجسته‌تری می‌یابد. این سیر افزایشی هم‌معنایی و کاهش تدریجی تضاد معنایی نشان‌دهنده هوشمندی مؤلف در همگامی با سطوح پیشرفت زبان‌آموز است؛ همچنین استفاده از زبان واسطه انگلیسی در جلد اول و کاهش تدریجی آن به درک بهتر مفاهیم توسط زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان کمک می‌کند. در مجموع می‌توان گفت این مجموعه با تلفیق مناسب دو رابطه معنایی هم‌معنایی و تضاد معنایی در جهت تسهیل یادگیری زبان فارسی و تقویت مهارت‌های زبانی غیرفارسی‌زبانان گام مؤثری برداشته است. پیشنهاد می‌گردد در ویرایش‌های بعدی به تمرین‌های تعاملی و کاربردی‌تر برای تثبیت این روابط در ذهن زبان‌آموز توجه بیشتری شود.

منابع

- اچ. داگلاس براون. (۱۳۹۶). اصول یادگیری و آموزش زبان. ترجمه ابراهیم چگنی. چاپ اول. تهران: رهنما.
- ریچاردز، جک سی، تتودوراس راجرز. (۱۳۹۶). رویکردها و روش‌ها در آموزش زبان. ترجمه علی بهرامی. چاپ اول. تهران: رهنما.
- رمضانی گل افشانی، نیلوفر. (۱۳۸۹). بررسی درک و بیان روابط معنایی کودکان با سن تقریبی ۶ تا ۱۱ سال. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- ربیعی، امیررضا. (۱۳۹۴). استخراج روابط معنایی و تضاد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: مرکز زبان‌ها و زبان‌شناسی دانشگاه شریف.
- صفوی، کورش. (۱۳۹۷). درآمدی بر معناشناسی. چاپ ششم. تهران: انتشارات سوره مهر.
- ----- (۱۳۷۶). «نگاهی تازه به مسئله چندمعنایی واژگانی». فصلنامه نامه فرهنگستان. تهران: صص: ۶۷-۵۱.
- ----- (۱۳۶۹). «نگاهی به تقابل معنایی». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پورتال جامع علوم انسانی تهران. شماره ۱. صص: ۱۱۵-۱۰۴.
- صفارمقدم، احمد. (۱۳۹۱). مجموعه چهار جلدی «زبان فارسی». چاپ چهارم. تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Cruse, D. A. (1986). *Lexical Semantics*. Cambridge University Press.
- Goldstick, D. (1980). "Cognitive Synonymy". *Dialectica*. Toronto, Canada vol.34, n3. pp. 183-203
- Griffiths, P. (2006). *An Introduction to English Semantics and Pragmatics*, Edinburgh Univ – ersity Press ltd. pp.1-206.
- Hurford, James, R., Heasley, Brendan and Smith, Michael B. Smith. (2007). *Semantics a course-book*. Second Edition. Cambridge; Combridge, University Press.
- Larsen Freeman, Diane and Anderson, Marti (2014). *In Teachniques & Principles in Langu-age Teaching*. Third Edition. Oxford University press.
- Lobner, S. (2002). *Understanding Semantics*. First Edition. New York, Published by Routledge.
- Lyons, J. (1995). *Linguistic Semantics: An Introduction*. Cambridge University Press.

- Murphy, M. L. (2003). *Semantic Relations and the Lexicon: Antonymy, Synonymy, and Other Paradigms*. Cambridge University Press.
- Palmer, F. R. (1981). *Semantics*. Second Edition. Cambridge University press.
- Recanati, F. (2017). "Contextualism and Polysemy". *Dialectica* 71 (3):379-397.
- Riemer, N. (2010). *Introducing Semantics*. first published. Published in The United States of America University press.
- Saeed, J. (2003). *Semantics*. second edition. Oxford Blackwell Publishing Ltd.